

رابطه‌ی خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی با پرخاشگری نوجوانان پسر

دکتر موسی جاودان^۱

استادیار روان‌شناسی دانشگاه هرمزگان

چکیده

با هدف بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای پرخاشگرانه نوجوانان پسر شهر بندرعباس، ۲۴۳ دانش‌آموز پسر دوره متوسطه با روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. شرکت کنندگان در تحقیق، مقیاس خودبازبینی ۱۸ ماده‌ای اسنایدر و گانجستد (۱۹۸۶)، پرسش‌نامه ۳۵ ماده‌ای جو عاطفی خانواده نودرگاه (۱۳۷۳)، مهارت‌های زندگی ۴۰ ماده‌ای یار احمدی (۱۳۸۶) و پرسشنامه پرخاشگری ۲۹ ماده‌ای باس و پری (۱۹۹۲) را تکمیل نمودند. داده‌های به دست آمده با استفاده از ماتریس همبستگی و محاسبه ضریب همبستگی رگرسیون چند گانه تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد که خودبازبینی، جو عاطفی خانواده، و مهارت زندگی الگوی مناسبی برای پیش‌بینی پرخاشگری نوجوانان پسر محسوب می‌شوند؛ به طوری که این مدل ۶۲/۱ درصد واریانس پرخاشگری را در دانش‌آموزان دوره متوسطه تبیین می‌کند. نتایج پژوهش نشان داد که به ترتیب جو عاطفی خانواده، مهارت‌های زندگی و خودبازبینی با بروز پرخاشگری در نوجوانان ارتباط معنی‌دار دارند.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری، جو عاطفی خانواده، خودبازبینی، مهارت زندگی

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: javdan4920@yahoo.com

وصول: ۱۳۹۲/۳/۲۰ - پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۷

مقدمه

امروزه با توجه به نظام تاریخی-اجتماعی کنونی، یکی از آزاردهنده‌ترین مشکلاتی که مدارس و معلمان با آن روبه‌رو هستند، بروز مسایل مربوط به رواج و افزایش پرخاشگری در مدارس متوسطه است و پرخاشگری به اشکال مختلفی مانند رفتارهای آشفته، طغیانگری، آسیب‌رساندن به اموال مدرسه و نزاع و درگیری با همسالان و همکلاسان و در مواردی حتی تهدید معلمان نیز به چشم می‌خورد. در بیش‌تر جوامع دنیا، پرخاشگری در سال‌های اخیر به علت تأثیر همسالان از فیلم‌ها و بازی‌های رایانه‌ای رو به افزایش است. پیامدهای رفتارهای پرخاشگرانه ممکن است به دوره نوجوانی و مدرسه محدود نشود و در صورت تکرار چنین اعمالی ممکن است به نوعی سبک زندگی تبدیل شود. افراد پرخاشگر به علت نگرش و دیدگاه خصمانه، توانایی برقراری ارتباط بین فردی مؤثر با دیگران را از خود سلب می‌کنند (وزیری و لطفی عظیمی، ۱۳۹۰). هنگامی که نوجوانان به دلیل ضعف در مهارت‌های زندگی نتوانند ارتباط درستی با دیگران برقرار کنند، دامنه بدبینی آنان گسترش می‌یابد؛ هم‌چنین آنان، برای روی آوردن به مصرف مواد مخدر، بز هکاری، آسیب‌رساندن به دیگران، خودکشی و قانون‌ستیزی مستعد می‌شوند. پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه نشانگر این هستند که زندگی امروز، به دانش و دریافت مهارت‌های لازم نیاز دارد و افرادی که آموزش و زمینه‌های مناسب برای آگاهی آنان فراهم شود، رفتارهای پرخاشگرانه کم‌تری را از خود نشان می‌دهند (مهرابی‌زاده هنرمند، گراوند و ارضی، ۱۳۸۸). بنابراین، با آگاهی‌بخشی به نوجوانان، می‌توان دامنه مهارت‌های آنان را افزایش داد و زندگی کم‌خطرتری را برای آنان مهیا نمود.

عوامل متعددی بر بروز رفتار نهایی و عادات انسان تأثیر دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به توانایی تسلط بر هیجان‌ها، رابطه والد-فرزند، آموزش کنترل خشم و داشتن مهارت‌های زندگی اشاره کرد. بنابراین، شخصیت هر فرد دربرگیرنده صفات و ویژگی‌هایی است که معرف رفتار او در مواجهه با مسایل زندگی هستند. از جمله این صفات می‌توان به

اندیشه، احساسات، ادراک شخص از خود و دیگران، شیوه تفکر و سبک زندگی نام برد (چنگ و فرنهام^۱، ۲۰۰۳).

یکی از مهمترین تفاوت‌های فردی انسان در عرصه زندگی، توانایی خودنظارتی و کنترل بر اعمال و رفتار خود است. از آن جا که پرخاشگری باعث ایجاد تنش و تیره و تار شدن روابط بین فردی می‌شود، برای کنترل آن باید نخست هیجان‌ها را شناخت و سپس آن‌ها را کنترل کرد؛ در این صورت فرد می‌تواند محیطی فراهم آورد که در آن، افراد با آگاهی از ارزش‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای شخصی خود نه تنها کارایی بیشتر خواهند داشت، بلکه می‌توانند متناسب با ویژگی‌های خود در عرصه زندگی موفقیت‌هایی کسب کنند. افرادی که از نظر خودشناسی آگاهی ضعیفی از صفات شخصیتی و رفتاری خود دارند، اغلب از روابط بین فردی ضعیفی برخوردار هستند و به علت نشناختن خویشان، موفق به شناخت نقاط قوت و ضعف خود نخواهند شد. بنابراین، هرگز از اشتباهات خود آگاه نمی‌شوند و برای اصلاح آن هم قدمی بر نمی‌دارند و همیشه همان اشتباهات گذشته را تکرار می‌کنند. از آن جا که انسان نمی‌تواند هیجان‌ها را از خود دور کند، باید آن‌ها را به درستی کنترل نماید.

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر رفتار و شخصیت فرزندان، فضای عاطفی خانواده است که در صورت توجه کردن به نیازهای روانی و زیستی فرزندان، مشکلات رفتاری کم‌تر و شخصیت منعطف‌تری در زندگی خواهند داشت و فرزندان بحران‌های رشدی و روانی کم‌تری را تجربه خواهند کرد (کیزنر و کر^۲، ۲۰۰۴). استبداد، تحقیر و طرد کردن فرزندان از عواملی هستند که احساس ناکامی و شکست و به تبع آن پرخاشگری را در فرزندان دامن می‌زنند. رفتارهای استبدادی خارج از تحمل فرزندان موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه در آنان می‌شود و توانایی و ظرفیت تسلط بر هیجان‌ها، افکار، ابراز خویشان و شناخت احساسات خود و دیگران را نیز کاهش می‌دهد. این امر در روابط بین فردی و کنترل افکار و رفتار فرد نقش مهمی دارد. بسیاری از مشکلات بین فردی مانند

¹. Cheng & Fureham

². Kiesner & Kerr

مسئولیت‌پذیری^۱، داشتن ارتباط صمیمی^۲، ابراز محبت و علاقه تحت تأثیر کنترل هیجان‌های فرد قرار دارند (دمنچ رد ریکوز، دونویک و کرولی^۳، ۲۰۰۹).

یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پایه ریزی، رشد تعاملات روابط انسانی و تنظیم راهبردهای ارتباط فرد با دیگران مهارت‌های زندگی است. آگاهی دادن به فرزندان و نوجوانان در حل مسایل زندگی و چگونگی تنظیم روابط با دیگران باعث می‌شود توانایی سازگاری فرد با فشارهای محیطی و شرایط استرس‌زای بیرونی افزایش یابد و او کم‌تر به رفتارهای پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز متوسل شود. مجموعه‌ای از توانایی‌ها مانند خودبازبینی، مهارت‌های زندگی و سبک‌های تربیتی باعث سازگاری بیشتر فرد با محیط می‌شود و در نتیجه فرد را قادر می‌سازد بدون آسیب‌رساندن به دیگران مسئولیت‌های اجتماعی را خود بپذیرد و روابط بین فردی مؤثری با دیگران داشته باشد (حاتم نژاد، اصغر نژاد فرید و زهرا کار، ۱۳۹۲). در میان همه موجودات، انسان از لحاظ پرخاشگری نسبت به هم‌نوعان خود، جایگاه ویژه‌ای دارد که قابل مقایسه با دیگر موجودات نیست. برخی از نظریه‌پردازان به این باورند که پرخاشگری ذاتی است (گودوین، پیسی و گریس^۴، ۲۰۰۳). گروه دیگری پرخاشگری انسان را حاصل عوامل محیطی، فرهنگی و اجتماعی و نتیجه یادگیری می‌دانند. این دیدگاه پرخاشگری را همانند رفتارهای اجتماعی دیگر آموختنی می‌داند (کریک و گرات پیتر^۵، ۲۰۰۴). بنابراین، وظیفه اجتماع، آموزشگاه و خانواده‌ها، جهت‌دادن به این رفتار اجتماعی انسان به سوی رفتارهای مورد قبول اجتماع و نحوه مهار کنترل آن از طریق آموزش لازم است. رشد انسانی در تمام ابعاد اخلاقی، عاطفی، شناختی و اجتماعی به مهارت و آگاهی نیازمند است. هنگامی که انسان در هر زمینه‌ای مهارتی را کسب کند، در عملکرد خود، پیشرفت بهتری به دست می‌آورد. یکی از مسایلی که افراد، به ویژه نوجوانان، در دوره نوجوانی با آن برخورد می‌کنند، مهارت‌های زندگی و برخورد و

¹. responsibility

². intimacy

³. Domenech Rodriguez, Donovick, & Crowley

⁴. Goodwin, Pacey & Grace

⁵. Crick & Grotspeter

تعامل مناسب با دیگران است. از این رو، آموزش مهارت‌های زندگی نقش مهم و مثبتی در نحوه‌ی تعامل و روابط اجتماعی ایفا می‌کند. البرتین، کاپ و گرنوالد^۱ (۲۰۰۱) در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که آموزش مهارت‌های زندگی، باعث افزایش توانایی کنترل فرد در موقعیت‌های تنش‌آمیز می‌شود. همچنین، در یک مطالعه‌ی طولی سه ساله که به وسیله زولینگر، سی ول، میوگ، ولدریگ، کیومینگز و کین^۲ (۲۰۰۳) برای آموزش مهارت‌های زندگی و اجتماعی به نوجوانان دوره‌ی متوسطه انجام شد، نتایج پژوهش نشان داد که چنین آموزش‌هایی نقش بارز و مؤثری در بهبود رفتار نوجوانان داشته و در نگرش و افکار آن‌ها در جهت کسب یک الگوی صحیح و رشد یافته اجتماعی، تغییرات در خور توجهی حاصل شده بود. بومیستر، وهوس و تایس^۳ (۲۰۰۷) در تحقیقات خود نتیجه گرفتند نوجوانانی که از نیروی شناخت فکری خود برای تشخیص نقاط قوت و ضعف خود استفاده می‌کنند، توانایی بیشتری در تنظیم و کنترل رفتار خود نسبت به افراد تکانشی و هیجانی دارند که این امر موجب کاهش رفتارهای ناپه‌نجا از جمله پرخاشگری می‌شود. همچنین، بوشمن^۴ (۲۰۰۲) در پژوهشی دریافت افرادی که از طریق ارزیابی و فرایندهای فکری خود، شناخت و آگاهی بیشتری از هیجان‌های خود دارند، می‌توانند کنترل بیشتری بر احساسات و رفتارهای خود داشته باشند. فرایند خودتنظیم‌کنندگی^۵ در تسلط بر رفتار و کاهش پرخاشگری نقش مهمی ایفا می‌کند. بنابراین، خودکنترلی احساس تعهد و مسئولیت در فرد ایجاد می‌کند؛ به طوری که فرد می‌تواند بر رفتار خود نظارت کرده و مانع رفتارهای نامطلوب و خشونت‌آمیز خود باشد.

به طور کلی، خانواده، مدرسه و جامعه از عوامل مهم و مؤثر در کنترل رفتار هستند. برای مثال، والدین با سرمشق‌دهی به فرزندان خود، مهارت‌های اجتماعی و زندگی مناسب را به طور غیر مستقیم به آنان یاد می‌دهند. والدینی که تعامل و روابط مناسبی با فرزندان خود

¹. Albertyn, Kapp & Groenewald

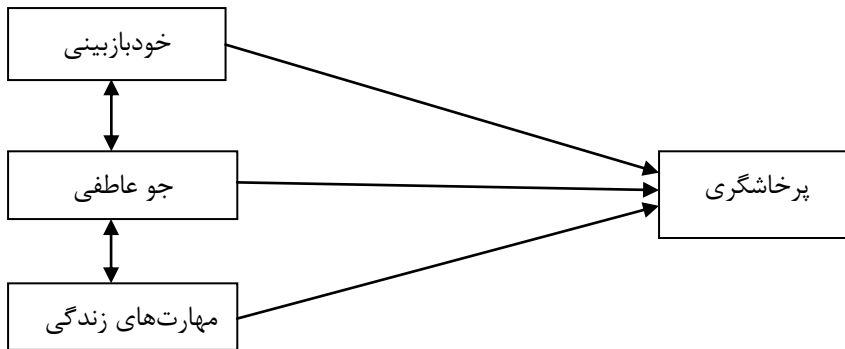
². Zollinger, Saywell, Muegge, Wooldridge., Cummings , & Caine

³. Baumeister, Vohs & Tice

⁴. Bushman

⁵. self-regulation

داشته باشند، به احتمال زیاد فرزندان‌شان خواهند داشت که رفتار مناسب و آرام دارند و کم‌تر به رفتارهای پرخاشگرانه متوسل می‌شوند. چگونگی تأثیر خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی در میزان بروز پرخاشگری در شکل یک نشان داده شده است. همان‌طور که در شکل یک مشاهده می‌شود، خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی در میزان بروز پرخاشگری نوجوانان نقش مهمی دارند که این مسأله نیز، با نظر البرتین و همکاران (۲۰۰۱)، بومیستر و همکاران (۲۰۰۷) و کیزنر و کر (۲۰۰۴) همسو است.



شکل ۱. مدل پیشایندهای پرخاشگری در نوجوانان پسر و دختر

از آن جاکه یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی هر کشور نوجوانان آن مرز و بوم هستند، بهبود مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی آن‌ها و کمک به کاهش پرخاشگری یکی از مهم‌ترین ضروریات نظام‌های تعلیم و تربیت و نهادهای متولی پژوهش است؛ زیرا از یک طرف، هم می‌تواند زمینه پرورش و تربیت صحیح نسل نوجوان آن جامعه را فراهم کند و از طرف دیگر، از بروز مشکلاتی مانند ترک تحصیل، سوء مصرف مواد مخدر، رفتارهای قانون شکنانه و آسیب به سلامت روانی جلوگیری کند. بنابراین، مطالعه و پژوهش درباره رفتارهای پرخاشگرانه در بین نوجوانان مدارس متوسطه که یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی است، ضرورت می‌یابد. هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی با پرخاشگری نوجوانان پسر شهر بندرعباس است. در این پژوهش، تلاش شده است، عوامل به وجود آورنده پرخاشگری در فضای مدرسه و بیرون از

مدرسه پرداخته شود که از جمله این عوامل خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و روابط اعضای خانواده با یک دیگر، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی در روابط بین فردی مطالعه و بررسی شده‌اند.

روش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و پیمایشی است و در آن، از روش همبستگی استفاده شده است. این روش به عنوان یک شاخص توصیفی محسوب می‌شود که به بررسی روابط میان متغیرها می‌پردازد. خودبازبینی، جو عاطفی خانواده و مهارت‌های زندگی به عنوان متغیر پیش‌بین و پرخاشگری به عنوان متغیر ملاک منظور شده‌اند.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر، همه دانش‌آموزان پسر مدارس متوسطه شهر بندرعباس بودند که در سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در مدارس این شهر تحصیل می‌کردند. برای این منظور، از بین نواحی دوگانه آموزش و پرورش شهر بندرعباس، ۱۱ دبیرستان (۶ دبیرستان از ناحیه یک و ۵ دبیرستان از ناحیه دو) به صورت تصادفی ساده و به نسبت تعداد دانش‌آموزان هر دبیرستان، تعداد نمونه مورد نظر انتخاب شدند که در مجموع ۲۴۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند.

ابزار:

مقیاس خودبازبینی^۱ اسنايدر (SMS): برای سنجش میزان خودبازبینی آزمودنی‌ها از مقیاس خودبازبینی اسنايدر و گانجستد^۲ (۱۹۸۵) استفاده شد که شامل ۱۸ ماده دو گزینه‌ای (درست و نادرست) است. دامنه نمره در این مقیاس صفر تا ۱۸ است. نمره بالا نشانه خودبازبینی بالا و نمره پایین، نشانه خودبازبینی پایین است. این مقیاس، دارای چهار خرده‌مقیاس خشم، پرخاشگری بدنی و کلامی، رنجش و بدگمانی و یک نمره کلی است که با توجه به هدف تحقیق، فقط از نمره کلی استفاده شده است. در صوتی که آزمودنی به

^۱. Self-Monitoring Scale (SMS)

^۲. Snyder & Gangsted

ماده‌های شماره ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۷ و ۱۸ پاسخ درست و به دیگر ماده‌ها پاسخ نادرست بدهد، به هر کدام یک نمره تعلق می‌گیرد. در غیر این صورت، به آن پاسخ‌ها نمره‌ای تعلق نمی‌گیرد. جدول شماره یک گویای این موضوع است.

جدول ۱. ارزش عددی جواب گزینه‌های مقیاس خودکنترلی

۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	د	ن	ن	ن	ن	د	ن	د	ن	د	ن	د	د	د	ن	ن	ن

اسنایدر و گانجستد (۱۹۸۵) با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی این مقیاس را ۰/۷۰ گزارش کرده‌اند (به نقل از سلیمانی، ۱۳۷۴). همچنین، سلیمانی (۱۳۷۴) پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۷۰ گزارش کرد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی این مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد. سلیمانی (۱۳۷۴) با استفاده از روایی ملاکی نشان داد که این مقیاس از روایی مناسبی برخوردار است.

مقیاس جو عاطفی خانواده^۱ هیل برن^۲: این پرسش‌نامه را هیل برن در سال ۱۹۶۴ برای سنجش میزان روابط عاطفی والد-فرزند طراحی و تدوین کرد. مقیاس یادشده، دارای ۱۶ ماده پنج‌گزینه‌ای است که متغیرهایی مانند محبت، نوازش، تأیید کردن، تجربه‌های مشترک، هدیه‌دادن، تشویق کردن، اعتماد و احساس امنیت را می‌سنجد. هر آزمودنی، نمره‌ای بین ۱۶ تا ۸۰ کسب می‌کند. کسب نمره بالا نشانه جو عاطفی مناسب و نمره پایین نشانه جو عاطفی نامطلوب است. رحمانی (۱۳۹۰) ضریب پایایی آزمون جو عاطفی خانواده را از طریق آلفای کرونباخ و بازآزمایی ۰/۸۳ محاسبه کرد. در پژوهش حاضر، برای تعیین میزان پایایی این سیاهه، از روش‌های آلفای کرونباخ استفاده شد و ۰/۸۹ به دست آمد. برای تعیین روایی محتوایی این پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که همه ماده‌ها بار عاملی مناسبی بر کل پرسش‌نامه داشتند و این نشانگر روایی مناسب این ابزار است.

¹. Affective family climate

². Hillburn

پرسش‌نامه‌ی سنجش مهارت‌های زندگی: این پرسش‌نامه، شامل ۴۰ ماده‌ی پنج‌گزینه‌ای است و توسط یار احمدی (۱۳۸۶) برای ارزیابی و سنجش مهارت‌های زندگی تهیه و تدوین شد و دارای مؤلفه‌هایی از قبیل توانایی حل مسأله، یعنی استفاده از راهبردهای مؤثر و سازش‌یافته‌ی مقابله برای حل مشکلات، توانایی تصمیم‌گیری مؤثر درباره‌ی مسایل زندگی، بررسی جوانب مختلف و پیامد هر انتخاب، توانایی ارتباط انسانی با اطرافیان و در نظر گرفتن حقوق دیگران و ابراز احساسات دیگران، شهروند مسئول‌بودن، یعنی درک حقوق و وظایف شهروندی، مسایل اجتماعی و هنجارها، قوانین حاکم بر اداره‌ی شهرها و روستاها و شهروند جهانی‌بودن، یعنی توانایی درک و فهم مسایل جهانی است. کسب نمره‌ی بالاتر در این آزمون، به معنای آگاهی بیشتر درباره‌ی مهارت‌های زندگی است. دامنه‌ی نمره در این مقیاس، بین ۴۰ تا ۲۰۰ است.

سازنده‌ی این آزمون، اعتبار آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر، برای تعیین پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ و تنصیف گاتمن استفاده شد که به ترتیب، ۰/۷۹ و ۰/۷۰ به دست آمد. روایی محتوایی توسط متخصصان تأیید شده و همبستگی‌های بین نمره‌ی هر ماده و نمره‌ی کل آزمون در همه‌ی ماده‌ها مثبت به دست آمده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی همگرایی این پرسش‌نامه از پرسش‌نامه‌ی مهارت‌های اجتماعی واتسون (۱۹۷۲) استفاده شد که ضریب همبستگی بین نمره‌های این پرسش‌نامه و مهارت‌های اجتماعی برابر با ۰/۶۸ محاسبه شده است که در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

پرسش‌نامه‌ی پرخاشگری باس و پری^۱ (BPAQ): این پرسش‌نامه توسط باس و پری (۱۹۹۲) تدوین شد که دارای ۲۹ ماده‌ی پنج‌گزینه‌ای (از ۱ تا ۵؛ ۱ = اصلاً من را توصیف نمی‌کند تا ۵ = کاملاً من را توصیف می‌کند) است که چهار بعد از پرخاشگری را (پرخاشگری کلامی: ماده‌های ۱ تا ۵؛ پرخاشگری جسمانی: ماده‌های ۶ تا ۱۴؛ خشم: ماده‌های ۱۵ تا ۲۱ و خصومت: ماده‌های ۲۲ تا ۲۹) می‌سنجد که آزمودنی در هر

^۱. Buss & Perry Aggression Questionnaire (BPAQ)

خرده‌مقیاس یک نمره و همچنین یک نمره کل کسب می‌کند. نمرات در دامنه‌ای از ۲۹ تا ۱۴۵ قرار می‌گیرند. نمره بالا، هم در خرده‌مقیاس‌ها و هم در کل مقیاس، رفتارهای پرخاشگرانه را در فرد نشان می‌دهد. در این پژوهش، بر اساس هدف تحقیق، از نمره کلی پرسش‌نامه استفاده شده است. باس و پری (۱۹۹۲) با استفاده از روش همسانی درونی پایایی این مقیاس را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. همچنین، محمدی (۱۳۸۵) پایایی آن را با استفاده از روش بازآزمایی و تصنیف به ترتیب ۰/۷۸ و ۰/۷۳ گزارش کرد. در پژوهش حاضر با استفاده از روش آلفای کرونباخ پایایی این مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد. سازندگان این مقیاس روایی آن را با استفاده از همبسته‌نمودن زیر مقیاس‌ها با یک‌دیگر و کل مقیاس، ۰/۲۵ تا ۰/۴۵ گزارش کردند که بیانگر روایی مناسب این ابزار است. محمدی (۱۳۸۵) با استفاده از تحلیل عاملی روایی این مقیاس را تأیید کرد. در پژوهش حاضر، برای بررسی روایی این مقیاس از تحلیل عاملی تأییدی استفاده شد که همه ماده‌ها بار عاملی مناسبی را نشان دادند.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: داده‌ها با استفاده از روش آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیری آزمون شده‌اند.

یافته‌ها

جدول یک، یافته‌های توصیفی و اطلاعات مربوط به میانگین و انحراف معیار متغیرهای ملاک و پیش‌بین را نشان می‌دهد.

جدول ۱. ضریب همبستگی بین (پر خاشگری با خودبازبینی، مهارت زندگی و جوعاطفی

خانواده) در دانش‌آموزان پسر متوسطه

ردیف	متغیرها	۱	۲	۳	میانگین	انحراف استاندارد
۱	پر خاشگری	۱			۵۰/۳	۷/۴۳
۲	خودبازبینی	-۰/۵۲**	۱		۱۰/۷	۳/۳۱
۳	مهارت زندگی	-۰/۶۸**	-۰/۳۳**	۱	۱۳۱/۷۶	۵/۹۶
۴	جو عاطفی خانواده	-۰/۷۴**	-۰/۲۸**	-۰/۳۱**	۵۶/۲۹	۶/۶۲

جدول شماره یک، همبستگی بین متغیرهای پیشین، میانگین و انحراف استاندارد نمرات را در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بین جو عاطفی و رفتارهای پرخاشگرانه در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین، بین خودبازبینی و رفتارهای پرخاشگرانه در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بین مهارت‌های زندگی و رفتارهای پرخاشگرانه در دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲. ضرایب همبستگی چندمتغیری بین خودبازبینی، مهارت زندگی و جو عاطفی با میزان پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه

متغیرهای وارد شده	R	مجذور R	مجذور R تنظیم شده	DF	F	سطح معنی‌داری
خودبازبینی مهارت زندگی جو عاطفی خانواده	۰/۷۹۱	۰/۶۲۶	۰/۶۲۱	۳ و ۲۳۹	۱۳۳/۳۸۸	۰/۰۰۰
متغیرهای وارد شده	β	T		سطح معنی‌داری t	ضریب تفکیکی	ضریب نیمه تفکیکی
جو عاطفی	۱/۴۴۷	۹/۹۶۹		۰/۰۰۰	۰/۴۷۴	۰/۵۴۲
مهارت زندگی	-۰/۵۱۱	-۵/۹۶۰		۰/۰۰۰	-۰/۲۸۳	-۰/۳۶۰
خودبازبینی	-۰/۴۶۶	-۳/۹۲۲		۰/۰۰۰	-۰/۱۸۶	-۰/۲۴۶

همان‌طور که در جدول شماره دو مشاهده می‌شود، سه متغیر جو عاطفی، مهارت زندگی و خودبازبینی، با پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه رابطه معنی‌داری دارند که از طریق روش ورود، مدل معنی‌داری به دست آمد ($R = ۰/۷۹۱$ ، $P < 0/001$ و $F = ۱۳۳/۳۸۸$ و $N = ۲۴۳$). این مدل ۶۲/۱ درصد از واریانس را توجیه می‌کند ($R = ۶۲/۱$ = مجذور R تنظیم شده). هر سه متغیر، برای پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره متوسطه، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی محسوب می‌شوند. به ترتیب، جو عاطفی خانواده، مهارت‌های زندگی و خودبازبینی پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌دار پرخاشگری هستند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از تحلیل عوامل مؤثر بر پرخاشگری دانش‌آموزان نوجوان، نشانگر این موضوع است که علاوه بر خلق و خوی نوجوان، صفات شخصیتی و ویژگی‌های دوره نوجوانی، جو عاطفی خانوادگی، مهارت‌های زندگی و خودبازبینی از عوامل مهم و مؤثر بر بروز پرخاشگری محسوب می‌شوند.

نتایج به دست آمده از تحلیل اطلاعات، بر این مطلب دلالت دارد که بین جو عاطفی خانواده و رفتارهای خشونت‌آمیز پسران دوره متوسطه، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. مطابق جدول یک، این ارتباط ۰/۷۴ است. از آن‌جا که خانواده، نخستین جایگاه شکل‌گیری عواطف است، برخورد و رفتار والدین یکی بر شکل‌گیری این صفات در نوجوانان تأثیر دارد. بنابراین، در صورتی که خانواده‌ها منابعی برای ناکامی و تأمین نشدن نیازهای مادی و روانی نوجوانان باشند و والدین و فرزندان با هم ارتباط صمیمی و نزدیکی نداشته باشند، بروز پرخاشگری حاصل از این ناکامی، امر پیش‌بینی‌پذیر است. نتایج این بخش از تحقیق، با تحقیقات گریفین^۱ (۲۰۰۰) و گلچین (۱۳۸۱) همسو است. آن‌ها در تحقیقات خود نتیجه گرفتند که رفتار و اعمال والدین می‌تواند به عنوان عاملی برای پیش‌بینی رفتار پرخاشگرانه نوجوانان عمل کند. جو نامطلوب خانواده، بد خلقی والدین، تهدید و تنبیه موجب بروز رفتارهای پرخاشگرانه و بزهکاری در فرزندان می‌شود. بنابراین، وجود یک فضای مطلوب و صمیمی در خانواده باعث پرورش فرزندان با خلق و خو و رفتار محترمانه و مؤدبانه و جو عاطفی ناسالم در یک خانواده موجب پرورش فرزندان با رفتاری‌های خشونت‌آمیز و پرخاشگرانه خواهد شد. همچنین، لی، بیورگارد و باکس^۲ (۲۰۰۵) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که رفتارهای والدین بر رفتار و پیامدهای رفتار فرزندان تأثیر بسیار دارد. رفتارهای پرخاشگرانه والدین، عواقب زیادی را در پی خواهد داشت؛ مثلاً حس مبارزه‌جویانه با محیط و رفتارهای پرخاشگرانه با افراد ضعیف‌تر برای فرزندان از پیامدهای این نوع رفتارهاست.

¹. Griffin

². Lee, Beauregard & Bax

بنابراین، جو عاطفی خانواده و نحوه‌ی تعامل رفتار والد-فرزند یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل بروز و نحوه‌ی شکل‌گیری رفتار، باور و نگرش‌های فرزندان است.

نتایج، نشان‌دهنده‌ی آن است که بین خودبازبینی و رفتارهای خشونت‌آمیز ارتباط منفی و معنی‌داری وجود دارد. بر اساس جدول یک، میزان رابطه ۰/۵۲ به دست آمده است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که پرخاشگری نوعی هیجان است که به عنوان یکی از مشکلات نوجوانان در هنگام برقراری ارتباط با دیگران تلقی می‌شود. نتایج این بخش از پژوهش با یافته‌های دی وال، فینکل و دینسون^۱ (۲۰۱۱) تا حدود زیادی مطابقت دارد. آن‌ها در پژوهش خود نتیجه گرفتند که روش‌های مدیریت هیجان‌ها، از جمله خودبازبینی، در کاهش بروز رفتارهای پرخاشگرانه افراد در روابط بین فردی نقش مهمی دارد. در تحقیق دیگری که توسط دینسون، دی وال و فینکل (۲۰۱۲) انجام شد، نتایج نشان داد عاملی که در هنگام رویارویی با حوادث و رفتارهای ناپسند دیگران باعث دوری افراد از رفتارهای خشونت‌آمیز و آزاردهنده در اجتماع و در ارتباط با دیگران می‌شود، نبود تسلط بر رفتار و کنترل هیجان‌ها است. از این رو، افرادی که نمی‌توانند هنگام برخورد با دیگران بر رفتار خود مسلط شوند، ممکن است در چنین شرایطی، به رفتارهای خشونت‌آمیز و نامناسب روی آورند؛ بنابراین، تمرین و آموزش خودبازبینی در خانواده، مدرسه و اجتماع می‌تواند توان فرد را برای افزایش کنترل بر رفتار بهبود بخشد. همچنین، نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد آموزش خودبازبینی می‌تواند بر کاهش پرخاشگری فیزیکی، کلامی و خشم تأثیر داشته باشد. بنابراین، خودبازبینی در توانایی مدیریت هیجان‌ها، پردازش اطلاعات هیجانی که شامل ارزیابی صحیح و تنظیم روابط سازگارانه می‌شود، نقش مهمی ایفا می‌کند. در نتیجه، خودبازبینی در مدیریت و تحمل استرس جایگاه مهمی دارد و باعث افزایش آستانه تحمل و اتخاذ باورهای منطقی عقلانی به هنگام تصمیم‌گیری در جریان امور زندگی می‌شود.

نتایج ارائه شده در جدول یک از ارتباط منفی و معنی‌دار بین مهارت‌های زندگی و رفتارهای پرخاشگرانه حکایت دارد ($r = -0.68$)؛ به این معنی که داشتن دانش مربوط به

¹. DeWall, Finkel & Denson

مهارت‌های زندگی، تا حدودی می‌تواند از رفتارهای پرخاشگرانه جلوگیری کرده و فرد به جای توسل به رفتارهای خشونت‌آمیز، رفتارهای مناسب دیگر را به کار می‌گیرد. ماک^۱ (۲۰۰۴) در پژوهشی مرتبط با رفتارهای اختلالی کودکان و نوجوانان پی برد که آموزش مهارت‌های زندگی باعث ایجاد نوعی الگوی رفتاری برای نوجوانان با اختلال سلوک و پرخاشگری می‌شود و موجب می‌شود نسبت به والدین، معلمان و همسالان رفتارهای مناسب و روابط بین فردی متناسبی از خود نشان دهند. به دیگر سخن، نوجوانان پرخاشگر، مهارت‌های لازم برای سازگاری با محیط اطراف و چگونگی برقراری روابط بین فردی را به درستی کسب نکرده‌اند و در نتیجه نبود چنین مهارت‌هایی، ممکن است به اشتباه به رفتارهای خشونت‌آمیز متوسل شوند. بنابراین، آموزش مهارت زندگی برای کسب دانش در جهت بهبود و اصلاح رفتار این گروه از نوجوان فرصتی مناسب فراهم می‌نماید. دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی، امروزه بر این باورند که رفتار انسان تنها تحت تأثیر یک عامل نیست؛ بلکه عوامل متعددی در پدیدآیی و شکل‌گیری این رفتارها نقش دارند و هر کدام از آنها در بروز و شکل‌دهی هر کدام از ویژگی‌های شخصیتی و صفات انسانی سهم خاصی دارند. بنا به عقیده کبیر و کرا (۲۰۰۴) عمده رفتار انسانی تابع عوامل متعددی است که در تفسیر و تغییر آنها نباید از نقش هیچ‌یک از این عوامل غافل شد. شکل‌گیری رفتارها و باورهای نوجوانان نیز از همین قاعده پیروی می‌کند. آنان از خانواده، رسانه، معلمان، بافت‌های فرهنگی-اجتماعی و شرایط اجتماعی-تاریخی تأثیر می‌پذیرند و متناسب با بافت خانواده، فرهنگ و تاریخ، اجتماع، مدرسه، دوستان و همسالان رفتار خواهند کرد. نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که برای داشتن خانواده، جامعه و مدرسه‌ای سالم، آموزش، تربیت و پرورش عواملی مانند مهارت‌های زندگی و مهارت‌های اجتماعی، خودبازبینی و داشتن روابط صمیمی در خانواده و مدرسه ضروری است و بنا به این ضرورت، با توجه به ویژگی‌ها و شخصیت نوجوانان و تلاش برای رشد و پرورش افرادی سالم، باید به تقویت دانش و مهارت‌های مورد نیاز آنان پرداخت.

¹. Mack

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی مواجهه بوده که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: این پژوهش از نوع همبستگی است و نمی‌توان نتایج علی و معولی از آن استنباط کرد؛ علاوه بر این، رفتار انسان تابع عوامل زیادی است؛ بنابراین می‌توان به نوعی رابطه بین این عوامل پی برد و استنباط علی مشکل و محدودیت دارد. همچنین، ابزارهای به کار رفته در این پژوهش پرسش‌نامه هستند؛ از آن‌جا که پرسش‌نامه‌ها خود گزارشی هستند، در مواردی ممکن است افراد درباره‌ی خود افراط و تفریط کرده باشند یا برای نشان‌دادن خود غیرواقعی نسبت به ارزیابی دیگران، کمتر به بروز واقعیت‌ها در انتخاب پاسخ دقت کرده‌اند و این نیز محدودیتی دیگر برای نتایج این پژوهش‌ها محسوب می‌شود.

بررسی ادبیات پیشین هر تحقیق و انجام پژوهش‌های جدید، ممکن است باعث درک بینش و دانش جدیدی درباره‌ی شکل‌دهی رفتارهای انسان و عوامل تأثیرگذاری بر آن باشد که با توجه به ارتباط میان پژوهش‌های گذشته و کنونی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شوند: ارزیابی رفتار انسان، روندی پیچیده و طولانی دارد؛ بنابراین، برای رسیدن به یک نتیجه مطمئن‌تر پیشنهاد می‌شود مطالعات طولی درباره‌ی شکل‌گیری پرخاشگری نیز صورت گیرد. همچنین، این پژوهش نشان داد که بین مهارت‌های زندگی و بروز پرخاشگری ارتباط معنی‌داری وجود دارد؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود برنامه آموزش مهارت‌های زندگی به عنوان یکی از دروس ضمیمه‌ی درسی از آغاز تا پایان تحصیلات و متناسب با دوره‌های تحصیلی در برنامه‌های درسی مدارس ایران گنجانده شود. از دیگر نتایج این پژوهش، ارتباط بین جو عاطفی خانواده و بروز رفتارهای پرخاشگرانه در دانش‌آموزان است؛ بنابراین، حسب نتایج پژوهش پیشنهاد می‌شود اولیای دانش‌آموزان برای برخورد مناسب و ارتباط صمیمی با فرزندان از آموزش مستمر بهره‌مند شوند.

منابع

حاتم نژاد، معصومه، اصغر نژاد فرید، علی اصغر و زهراکار، کیانوش. (۱۳۹۲). بررسی رابطه شیوه‌های فرزند پروری و اختلال هراس اجتماعی والدین با اختلال هراس اجتماعی نوجوانان مقطع دبیرستان. *روان‌شناسی اجتماعی (یافته‌های نو در روان‌شناسی)*، ۸ (۲۶)، ۶۳-۵۳.

- رحمانی، پریسا. (۱۳۹۰). بررسی شیوه‌های فرزندپروری و جو عاطفی خانواده کودکان مبتلا به اضطراب فراگیر و کودکان فاقد اضطراب. *علوم تربیتی*، ۴ (۱۳)، ۶۷-۷۷.
- سلیمانی، کیهان. (۱۳۷۴). هنجاریابی مقیاس خودبازبینی (اسنایدر و گانجستد، ۱۹۸۵). پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد کرج.
- مهرابی زاده هنرمند، مهناز، گراوند، لیلیا و ارضی، سوره. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر اضطراب و پرخاشگری همسران شهدا. *زن و فرهنگ*، ۱ (۱)، ۱۶-۳.
- وزیری، شهرام و لطفی عظیمی، افسانه. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش همدلی در کاهش پرخاشگری نوجوانان. *روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۸ (۳۰)، ۱۷۵-۱۶۷.
- گلچین، مهری. (۱۳۸۱). تمایل به پرخاشگری در نوجوانان و نقش خانواده. *مجله علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی قزوین*، ۲۱، ۴۱-۳۶.
- محمدی، نورالله. (۱۳۸۵). بررسی مقدماتی شاخص‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه پرخاشگری باس-پری. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۲۵ (۴)، ۱۵۱-۱۳۵.
- Albertyn, R. M., Kapp, C. A., & Groenewald, C. J. (2001). Patterns of empowerment in individuals through the course of a life skills programme. *Journal of Studies in the Education of Adults*, 33(2), 21-180.
- Baumeister, R. F., Vohs, K. D., & Tice, D. M. (2007). The strength model of self control. *Current Directions in Psychological Science*, 16, 351-355.
- Bushman, B. J. (2002). Does venting anguish feed or extinguish the flame? Catharsis, rumination, distraction, anger, and aggressive responding. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 724-731.
- Buss, A. H., & Perry, M. P. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Social Psychology*, 63, 452-459.
- Cheng, H., & Furnham, A. (2003). Personality, self-esteem, and demographic predictions of happiness and depression. *Journal of Personality and Individual Differences*, 34(3), 921-942.
- Crick, N. R., & Grotpeter, J. K. (2004). Relational aggression, gender, and social-psychological adjustment. *Child Development*, 66, 710-722.

- Denson, T. F., DeWall, C. N., Finkel, E. J. (2012). Self-Control and aggression. *Current Directions in Psychological Science*, 21(1), 20, 34-39.
- DeWall, C. N., Finkel, E. J., & Denson, T. F. (2011). Self-Control inhibits aggression. *Social and Personality Psychology Compass*, 5 (7), 458-472.
- Domenech Rodriguez, M., Donovanick M. R, & Crowley, S. (2009) .Parenting styles in a cultural context: Observations of protective parenting in first-generation latinos. *Family Process*, 48(2), 195-210.
- Goodwin, T., Pacey, K., & Grace, M. (2003). Children: Violence prevention in preschool settings. *Journal of Child and Adolescent Psychiatric Nursing*, 16, 52-59.
- Griffin, K. W.(2000). Parenting practices as predictors of substances use, delinquency and aggression among urban minority: Moderating effects of family structure and gender. *Psychology Addict Behavior*,14(2), 274-284.
- Kiesner, J., & Kerr, M. (2004). Families, peers, and contexts as multiple determinants of adolescent problem behavior. *Journal of Adolescence*, 27, 493-495.
- Lee, C. M., Beauregard, C., & Bax, K. A. (2005). Child related disagreements, verbal aggression, and children internalizing and externalizing behavior problems. *Journal of family psychology*, 19(2), 237- 245.
- Mack. K. (2004). Explanation for conduct disorder. *Child Youth Care founme*, 33(2), 95-113.
- Snyder, M. (1974). Self-monitoring of expressive behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 30, 526-537.
- Zollinger, T. W., Saywell, R. M., Muegge, C. M., Wooldridge, J. S., Cummings, S. F., Caine, V. A. (2003). Impact of the life skills training curriculum on middle school student tobacco use in Marion County, Indiana1997-2000. *Journal of School Health*, 73(9), 338-346.



The study of relationship between self-monitoring, affective family climate, and life skills with aggression in adolescent boys

M. Javdan

Abstract

To investigate the determinants of aggressive behavior in adolescent boys of Bandar Abbas, 243 high school students were selected by multistage random sampling. Participants were asked to complete Snyder and Gangsted 18 items Self-Monitoring Scale (1986), Noodargah 35 items Affective Family Climate Questionnaire (1373), YaAhmadi 40 items Life Skills (1386) and Buss and Perry 29 items Aggression Questionnaire (1972). The obtained data were analyzed by the correlation matrix and correlation coefficient of multiple regressions. The results showed that self-monitoring, affective family climate, and life skills are considered a good model for the prediction of aggression in adolescent boys, so that the model could explain 62/1% of the variance in aggression among high school students. The results also showed that the affective family climate, life skills, and self-monitoring are significantly associated with the occurrence of aggression in adolescents.

Keywords: aggression, affective family climate, self-monitoring, life skill.